

نشریه ادب و زبان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
سال ۲۰، شماره ۴۱، بهار و تابستان ۱۳۹۶

**بررسی و تحلیل جامعه‌شناختی ذوق ادبی
با تأکید بر مرصادالعباد نجم‌الدین رازی
(علمی - پژوهشی) ***

دکتر الهام سیدان^۱، سارا پورعماد^۲

چکیده

جامعه‌شناسی ذوق ادبی از جمله شاخه‌های جامعه‌شناسی ادبیات است که به بررسی چگونگی شکل‌گیری و تطور ذوق و سلیقه ادبی در میان مردم و عوامل مؤثر بر آن می‌پردازد. به منظور بررسی سلیقه‌های هنری هر زمان، تأمل در آثار ادبی آن دوره ضروری است. مرصادالعباد نجم‌الدین رازی از جمله آثاری است که به صراحت از ذوق ادبی زمان تأثیر پذیرفته است. تنوع مطالب و نیز دایره وسیع مخاطبان در فصول مختلف کتاب نشان می‌دهد در متن این اثر تمایلات گروه‌های مختلف اجتماعی لحاظ شده است و به همین جهت در برخی فصول، نویسنده از انگیزه اصلی تألیف کتاب (تعلیم مریدان) فاصله می‌گیرد. تنوع سلیقه‌های ادبی در متن مرصادالعباد این کتاب را از آثار تعلیمی عرفانی متمایز می‌کند و به همین دلیل این پژوهش بررسی و تحلیل این اثر را و جهت همّت خود قرار داد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد عوامل مختلفی در شکل‌دهی ذوق ادبی در این کتاب مؤثر واقع شده است که از جمله مهم‌ترین آن عبارتند از روح‌های زمانه، شرایط اجتماعی، سیاسی و تاریخی، بیش‌مخدوم به مثابه حکم زیبایی‌شناس و نیز ارزش‌های ذاتی - واقعی خود اثر ادبی.

* تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۴/۱۲/۱۲

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۵/۰۳/۱۰

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)

E-mail: elhamsaiedan@yahoo.com

۲- دانش‌آموخته کارشناسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

واژه‌های کلیدی: جامعه‌شناسی ادبیات، ذوق ادبی، روح‌های زمانه، مرصادالعباد، نجم‌الدین رازی.

۱- مقدمه

جامعه‌شناسی ادبیات عنوانی جامع و فراگیر است که مجموعه وسیع و متنوعی از مطالعات را در ارتباط با توصیف روابط میان اثر ادبی و جامعه در بر می‌گیرد. در پژوهش‌های این حوزه پیوند جدایی‌ناپذیری میان جامعه‌شناسی، تاریخ ادبیات، نقد ادبی و زیبایی‌شناسی وجود دارد و این امر مطالعات پیش رو را با دشواری‌هایی مواجه ساخته است. البته هرچند آفرینش ادبی حاصل ملاحظات حساب شده نیست، اما بررسی و تحلیل آثار ادبی در انزوای کامل و بدون در نظر گرفتن ملاحظات اجتماعی حداقل در برخی آثار امری دشوار و شاید غیرممکن است. آنچه در مطالعات جامعه‌شناسی ادبیات کمتر بدان توجه شده، نقش مؤثر و کارآمد واقعیت‌های بیرونی در شکل‌دهی ذوق ادبی - هنری زمان است. در هر دوره معین ذوق و سلیقه معینی در هنر و ادبیات وجود دارد و این امر به روشنی در آثار ادبی و هنری زمان منعکس می‌شود. عوامل مختلف اجتماعی و حتی فردی در شکل‌گیری ذوق ادبی زمان مؤثر است. تأمل در آثار ادبی هر دوره می‌تواند راهی برای شناخت ذوق ادبی و فرایند شکل‌گیری آن باشد. مرصادالعباد نجم‌الدین رازی از جمله این آثار است که با دایره مخاطبان نسبتاً وسیع و با سلیقه‌های هنری مختلف به گونه‌ای متفاوت از دیگر آثار عرفانی ظاهر می‌شود. هرچند که این اثر با در نظر گرفتن مخاطبانی خاص (سالکان) در حوزه آثار تعلیمی عرفانی می‌گنجد، اما به صراحت از ذوق ادبی زمان تأثیر پذیرفته است. نظر به تنوع ذائقه ادبی در متن این اثر هدف از پژوهش حاضر آن است که با بررسی مرصادالعباد نجم‌الدین رازی به بررسی جامعه‌شناختی ذوق ادبی و عوامل مؤثر در شکل‌گیری آن پردازد.

۱-۱- بیان مسئله

با توجه به ویژگی‌های جامعه‌شناختی مرصادالعباد و نظر به اهمیت ذاتفه‌های ادبی زمان در شکل‌دهی این اثر، این پژوهش در پی پاسخ دادن به پرسش‌های زیر بوده است:

- عوامل شکل‌دهی ذوق ادبی در مرصادالعباد نجم‌الدین رازی چیست؟

- آیا عوامل سیاسی - اجتماعی و از جمله بحران حمله مغول تأثیری در شکل‌دهی ذوق ادبی زمان نجم‌الدین داشته است؟

- بینش زیبایی‌شناختی پادشاه چه تأثیری در مرصادالعباد بر جای نهاده است؟

۱-۲- پیشینه تحقیق

هرچند پژوهش‌های بسیاری با عنوان جامعه‌شناسی ادبیات به بررسی متون ادبی اختصاص یافته است، اما مطالعات اصولی و روشمند در این حوزه بسیار اندک است. در باب مرصادالعباد نجم‌الدین رازی هم اگرچه تحقیقات درخور توجهی انجام شده است، اما بحثی از جامعه‌شناسی ادبیات در آنها مطرح نیست. جهانگیر صفری و طاهری عبده‌وند در مقاله‌ای با عنوان «پیوند سیاست با عرفان در مرصادالعباد نجم‌الدین رازی» (۱۳۸۹) به بررسی مسائل مربوط به سیاست و نحوه سیر و سلوک حکمرانان در مرصادالعباد می‌پردازند. نجف جوکار در مقاله «رویکرد اجتماعی در آثار ادبی و عرفانی نجم‌الدین رازی» (۱۳۸۶) ضمن بررسی عوامل مؤثر در شکل‌گیری اندیشه اجتماعی نجم‌الدین، به تحلیل بازتاب مسائل اجتماعی در مرصادالعباد می‌پردازد. تا جایی که نویسنده جستجو کرده، تاکنون پژوهش مستقلی در باب جامعه‌شناسی ذوق ادبی در مرصادالعباد و دیگر متون ادب فارسی انجام نشده است.

۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

بررسی ارتباط دو سویه جامعه و اثر در مطالعات جامعه‌شناختی ادبی، ابعاد و شاخه‌های مختلفی دارد. در مطالعات این حوزه کمتر به نقش مؤثر واقعیت‌های بیرونی در شکل‌دهی ذوق ادبی - هنری زمان توجه شده است. در نقد آثار ادبی بیشتر بر اثر و در برخی موارد

نویسنده اثر تأکید شده است. در تاریخ ادبیات متعارف هم تنها وقایع سیاسی - اجتماعی بررسی می‌شود؛ اما به چرایی مسائل و نحوه شکل‌گیری آثار عنایت نمی‌شود. مسئله‌تطور ذوق هنری در میان مردم از جمله اموری است که در پژوهش‌های نقد ادبی و تاریخ ادبیات کمتر بررسی شده است. تأمل در ذوق ادبی زمان و عوامل مؤثر بر آن می‌تواند در شناخت بهتر آثار ادبی و زمینه‌های شکل‌گیری آنها مفید واقع شود.

۲- بحث

چنان که از متن مرصاد العباد برمی‌آید، تمایلات گروه‌های مختلف اجتماعی در این اثر لحاظ شده است. برای تحلیل گروه‌های اجتماعی و پسندهای هنری آنان، ابتدا به بررسی بنیان نظری این پژوهش (جامعه‌شناسی ذوق ادبی) و در ادامه عوامل مؤثر در شکل‌دهی ذوق ادبی در مرصاد العباد می‌پردازیم.

۲-۱- جامعه‌شناسی ذوق ادبی

تحلیل روابط میان جامعه و ادبیات به قرن نوزدهم و آراء منتقدانی چون دو استال، تن و فیلسوفانی چون هگل و مارکس بازمی‌گردد. بسط و پرورش مطالعات جامعه‌شناسی ادبیات به طور مستقیم یا غیرمستقیم به آراء این متفکران وابسته است. در اوایل قرن بیستم، گذشته از آراء دور کیم و پژوهش‌های لانسون در باب تاریخ ادبیات و جامعه‌شناسی، تأثیر اندیشه‌های مارکسیسم بر کسانی چون جورج لوکاچ و لوسین گلدمن جامعه‌شناسی ادبیات را به عنوان یک رشته علمی مستقل مطرح کرد. پرداختن به وجوه مختلف جامعه‌شناختی مؤثر در آفرینش و پذیرش یک اثر از سوی مخاطبان به شکل‌گیری شاخه‌های متعدد در این علم منجر شد.

تعامل میان متن و جامعه و تأمل در ارتباط متقابل و معنادار این دو حوزه و به‌ویژه چگونگی جهت‌گیری ذوق ادبی در میان مردم به شکل‌گیری شاخه دیگری از جامعه‌شناسی ادبی یعنی، جامعه‌شناسی ذوق ادبی منجر شد. در این شاخه از جامعه‌شناسی ادبیات، مسئله‌تطور ذوق هنری در میان مردم و چگونگی شکل‌گیری آن بررسی می‌شود. جامعه‌شناسان مختلف از جمله شوکینک به بررسی عوامل مختلف شکل‌دهی ذوق ادبی هر

زمان پرداخته‌اند. شوکینگ معتقد است «در هر دوره معین ذوق و سلیقه معینی وجود دارد و این امر به روشنی خود را در سبک‌های متغیّر هنرهای زیبا نشان می‌دهد» (شوکینگ، ۱۳۷۳: ۱۵). پی‌یر بوردیو جامعه‌شناس و منتقد فرانسوی معاصر نیز از جمله کسانی است که به بحث از ذائقه ادبی می‌پردازد.

بحث از ذوق ادبی و فرایند شکل‌گیری آن به نحو مؤثری با نظریه «دریافت» در نظریات نقد معطوف به خواننده پیوند می‌خورد. نظریه دریافت در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در آلمان غربی پایه‌گذاری شد و مشهورترین چهره‌های آن هانس روبرت یاس و ولفگانگ آیزر بودند. یاس در طرح نظریه دریافت تاریخ‌گراتر از آیزر است و این امر دیدگاه‌های او را به نحو مؤثری به جامعه‌شناسی ذوق ادبی پیوند می‌دهد. ویژگی برجسته دیدگاه یاس آن است که مخاطب در شرایط دوره‌های تاریخی در نظر گرفته می‌شود. مخاطب یک دوره خاص، اثر را از چهارچوبی که شرایط تاریخی، اجتماعی و فرهنگی روزگارش مشخص کرده می‌بیند.

چنان که از مجموع دیدگاه‌های مذکور برداشت می‌شود، عوامل مختلفی در شکل‌گیری ذوق ادبی در هر زمان دخیل هستند و البته این عوامل در دوره‌های مختلف بنا به مقتضیات زمان متفاوت است. این اثر ادبی است که مشخص می‌کند نویسنده در پی پاسخ دادن به چه توقعاتی در مخاطب بوده است.

۲-۲- بافت و زمینه غالب سیاسی، اجتماعی روزگار مؤلف

قرن هفتم هجری، دوره‌ای سیاه و همراه با ویرانی و نابسامانی در تاریخ ایران است. بزرگ‌ترین و پر وحشت‌ترین واقعه این عصر هجوم مغول است. مغولان در اصل از قبایل زردپوست ساکن آسیای شرقی بودند که در دشت گبی زندگی می‌کردند و چنگیز از رؤسای شجاع و جنگاور آنان بود (صفا، ۱۳۸۶، ۳/۱). آن‌گونه که از شواهد تاریخی برمی‌آید، چنگیز در ابتدا قصد حمله به بلاد اسلام را نداشت و گویا می‌خواست فرمانروایی خود را به قسمتی از نواحی شرقی آسیا محدود سازد و شاید اگر زمامدارانی مدبر و کاردان در آن هنگام بر ایران حکومت می‌کردند، به احتمال قوی، ضمن استقرار روابط سیاسی و

اقتصادی، جلوی یک فاجعه خونبار تاریخی گرفته می شد؛ اما متأسفانه در آن دوران نه تنها پادشاه و دولت خوارزمشاهی، بلکه امرا و سپاهیان و افراد خاندان سلطنتی فقط در فکر غارتگری و مال اندوزی بودند و در نتیجه اشتباهات گوناگون سیاسی، چنگیز را وادار به حمله به ایران و دیگر کشورهای خاورمیانه نمودند. قرآینی در دست است که چنگیز واقعاً به برقراری روابط تجاری بین منطقه نفوذ خود و خاور نزدیک علاقه فراوان داشت. اقدامات او در راه امن کردن راه‌ها، گماشتن مراقبین در آنها، پذیرایی از بازرگانان کشورهای اسلامی و خرید کالاهای آنان به بهای عادلانه و فرستادن گروهی برای عقد معاهده دوستی نزد خوارزمشاه، نشان می‌دهد که چنگیز از آغاز برنامه رزمی نداشته است (راوندی، ۱۳۷۴: ۴۰۱). بی‌کفایتی حاکم اترار و قتل بازرگانان مغول با کسب اجازه از سلطان محمد خوارزمشاه در سال ۶۱۵ قمری و نیز قتل گروه دومی که برای مطالبه خسارت به دربار خوارزمشاه آمده بودند، زمینه هجوم مغول به ایران را فراهم می‌کند. خان مغول در سال ۶۱۶ قمری به اترار می‌رسد و پس از محاصره آنجا به سرعت شهرهای کناره جیحون و بلاد اطراف را تسخیر می‌کند و از این تاریخ به بعد هجوم ویرانگر مغولان بر نواحی مختلف ایران آغاز می‌شود (صفا، ۱۳۸۶، ۳/۱: ۱۴-۶).

هجوم مغولان به عنوان یکی از وقایع تاریخ ایران، تمامی ارکان و بنیان‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران را تحت تأثیر قرار داد. یکی از بارزترین نتایج این حمله، ایجاد تزلزل در تمدن و فرهنگ ملت‌های شکست خورده بود. اثرات تأسف بار این واقعه به حدی بود که تا مدتی وقفه و فترت در سیر تمدن پدیدار شد و پس از آن نیز هیچگاه به نحو مطلوب و به مانند گذشته جبران نشد. علاوه بر این حمله مغولان آغازی برای رکود علم و برافتادن درس و مدرسه حداقل برای چند دهه بود (ر.ک: جوینی، ۱۳۸۲: ۳). اگر در آغاز این عهد هنوز استعدادهایی که از مدنیت پیش از مغول بهره می‌بردند، وجود داشتند اما در آخر آن فقر و نابسامانی و درهم آمیختگی اجتماع به انحطاط مدنی و فرهنگی بزرگی منجر شد که آثارش را از اواخر قرن هشتم به بعد در حیات معنوی ایرانیان شاهد هستیم (صفا، ۱۳۸۶، ۳/۱: ۲).

۲-۳- عوامل مؤثر در شکل‌دهی ذوق ادبی در روزگار نجم‌الدین رازی

تأمل در مرصادالعباد نجم‌الدین رازی که نشان می‌دهد که عوامل مختلفی در شکل‌دهی ذوق ادبی در این اثر مؤثر واقع شده که در اینجا به مهم‌ترین آن اشاره می‌شود.

۲-۳-۱- روح‌های زمانه

روح زمانه ترجمه واژه‌ای فلسفی از زبان آلمانی است. واژه مرکب zeitgeist از دو کلمه zeit به مفهوم زمان و geist به مفهوم روح تشکیل شده است. این واژه را نخستین بار یوهان گوتفرد هردر، شاعر و فیلسوف آلمانی، برای نشان دادن نقش تاریخ در فرهنگ به کار بست (مصلح، ۱۳۹۳: ۱۴۱). این اصطلاح در علم جامعه‌شناسی برای نشان دادن روش، نوع تفکر و احساسات یک مقطع زمانی یا دوران خاصی به کار رفت. اعتقاد برخی محققان بر آن است که هر هنری در هر دوره‌ای با جهان‌بینی خاص یا بینش کلی معینی تطبیق می‌کند و این جهان‌بینی همان است که از آن به روح زمانه تعبیر می‌شود (شوکینگ، ۱۳۷۳: ۱۷). در ساختگرایی تکوینی و به باور لوسین گلدمن یکی از معیارهای ارزش هر اثر هنری در آن است که بینیم تا چه حد نگرشی منسجم را درباره جهان، در عرصه مفاهیم و صورت‌های خیالی کلامی یا محسوس بیان می‌کند (پاسکادی، ۱۳۸۰: ۶۳).

در رهیافت جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، هنر در اصل منتقل‌کننده اندیشه‌ها است. بنابراین نه تنها روح زمان در هنر تجسم پیدا می‌کند، بلکه هنر به نوعی بیانگر روح زمانه و سلیقه حاکم بر آن است. اما آنچه با بررسی آثار ادبی آشکار می‌شود آن است که در هر دوره معین گروه‌های اجتماعی مختلفی با تفکرهای متفاوت وجود دارند. به باور شوکینگ چیزی به عنوان روح زمانه وجود ندارد، آنچه هست به عبارتی یک سلسله «روح‌های زمانه» است (شوکینگ، ۱۳۷۳: ۱۹). البته این که هنر مسلط هر دوره با کدامیک از این گروه‌ها ارتباط بیشتری دارد، بستگی به اوضاع و احوال و مقتضیات مختلف دارد.

میزان تأثیرپذیری آثار ادبی در دوره‌های مختلف از گروه‌های اجتماعی و پسندهای هنری آنان یکسان نیست. تأمل در مخاطبان و گروه‌هایی که نجم‌الدین رازی به صراحت بخش‌هایی از کتاب مرصادالعباد را طبق سلیقه آنان ترتیب می‌دهد، نشان از تأثیرپذیری اثر

از روح‌های زمانه دارد. گروه‌های اجتماعی متفاوتی در این اثر قابل تمییز است. این گروه‌ها را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد:

۱ - گروه نخست کسانی هستند که نویسنده نسبت به آنان نظر مساعد دارد و بخش‌هایی از کتاب را به آنان اختصاص می‌دهد و البته این گروه نیز خود به دو دسته تقسیم می‌شوند: الف - دسته اول سالکان و مریدانی که استدعای تألیف کتاب نخستین بار از جانب آنان مطرح می‌شود: «مدتی بود تا جمعی طالبان محقق و مریدان صادق هر وقت ازین ضعیف با قلت بضاعت و عدم استطاعت مجموعه‌ای به پارسی التماس می‌کردند» (نجم‌الدین‌رازی، ۱۳۸۳: ۱۵).

ب - دسته دوم طوایف مختلفی که بخش‌هایی از کتاب به شیوه‌های سلوک آنان اختصاص داده شده است؛ از جمله: ملوک و ارباب فرمان، وزرا و اصحاب قلم و نواب، علما از مفتیان و مذکران و قضات، ارباب نعم و اصحاب اموال و البته مسلم است که نویسنده با گروه نخست ارتباط مؤثرتر و پایدارتری برقرار می‌کند. آنچه برای نجم‌الدین در درجه اول اهمیت قرار دارد، «استفادت مبتدی ناقص و افادت منتهی کامل» (همان: ۱۵) است. هرچند که به‌ظاهر آرمان‌های این دو گروه متفاوت از یکدیگر جلوه می‌کند، اما در متن مرصاد ارتباط پایداری بین آنان برقرار می‌شود. طبقات مختلف اجتماعی و به تعبیر دیگر روح‌های زمانه که در ادواری از تاریخ در متون ادبی کاملاً جدا از یکدیگر جلوه گر می‌شوند، در این زمان به هم درمی‌آمیزند. در بینش عرفانی نجم‌الدین تناقض و تضادی میان دین و دنیا وجود ندارد و در عین بهره‌بندی از دنیا می‌توان عارفانه زیست و به پروردگار خود نزدیک شد. به باور نجم‌الدین حتی سیاست نیابت و خلافت حق تعالی در زمین است. (برای آشنایی با اندیشه‌های سیاسی نجم‌الدین ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۲: ۲۱۲-۱۸۷)

۲ - گروه دوم کسانی هستند که نجم‌الدین نسبت به آنها نظر مساعدی ندارد و البته هرچند که به صراحت ذوق و سلیقه این گروه در متن کتاب لحاظ نشده است، اما تمایلات و خواسته‌های آنان از گوشه و کنار کتاب آشکار می‌شود. علاء‌الدین محمد خوارزمشاه از

جمله این افراد است که روزگار جوانی نجم‌الدین رازی - یعنی سال‌هایی که در ایران سپرده کرده - با سلطنت او مصادف بوده است. سلطان محمد خوارزمشاه پسر تکش که از بینش سیاسی و قابلیت و تدبیر پدر محروم بود، به خاطر عدم بصیرت نام خاندان خود را با شکست مواجه کرد (قفس اوغلی، ۱۳۶۷: ۳-۲). از قرائن بسیار برمی‌آید که نویسنده نظر مساعدی به این پادشاه نداشته است. تعلق خاطر پادشاه به اهل فلسفه به‌ویژه امام فخر رازی، بی‌مهری او به اهل تصوف و بخصوص سلسله کبرویه، قتل مجدالدین بغدادی، تعصب نداشتن در مذهب سنت و جماعت، حذف نام خلیفه ناصر لدین الله و نصب خلیفه‌ای از علویان عللی است که می‌تواند موجب آزرده‌گی نجم‌الدین از پادشاه تلقی شود (ریاحی، ۱۳۸۳: ۴۰). بخش‌هایی از کتاب مرصادالعباد نیز تعریضی به این است. به عنوان مثال نجم‌الدین رازی در وصف فتنه مغول با نیم‌نگاهی به خوارزمشاه و ترغیب او و امثال او به ایستادگی در برابر کفار از برانداخته شدن مسلمانی گلایه می‌کند: «اگر عیاذاً بالله غیرت و حمیت اسلام در نهاد ملوک و سلاطین بنجنبد ... بوی آن می‌آید که یکبارگی مسلمانی برانداخته شود» (نجم‌الدین رازی، ۱۳۸۳: ۱۸-۱۷).

۲-۳-۲ - شرایط اجتماعی، سیاسی، تاریخی

شرایط مادی و بیرونی آثار خلاقه هنری یعنی وقایع سیاسی، اجتماعی، تاریخی و امثال آن از جمله مواردی است که به عنوان یکی از مؤلفه‌های سازنده در شکل‌دهی ذوق ادبی زمان شناخته می‌شود. البته در باب تأثیرپذیری هرگونه فعالیت خلاقانه هنری به‌ویژه ادبیات از اوضاع، احوال و مقتضیات زمان دیدگاه‌های متنوع و در عین حال متناقضی در دست است. دسته‌ای از منتقدین و به‌ویژه جامعه‌شناسانی هستند که اثر هنری را به طور کامل محصول و نتیجه زمان خود می‌دانند و نقشی برای هنرمند و نیروی خلاقه ذهن او در نظر نمی‌گیرند. جامعه‌شناسان مارکسیست غالباً طرفدار این دیدگاه هستند. گروه دیگر که پیروان تفکر هنر برای هنر و مکتب پاراناس از جمله مهم‌ترین طرفداران آن هستند با تمرکز بر جنبه‌های زیبایی‌شناختی اثر، هنر را از هرگونه تأثیرپذیری از زندگی مادی و تأثیرگذاری بر آن مبرا می‌دانند.

اما دیدگاه دیگر که به نوعی در آن بین تأثیرپذیری کامل اثر از اوضاع سیاسی - اجتماعی و برکنار بودن از آن تعادل برقرار می‌شود، دیدگاه کسانی است که معتقدند تأثیر اوضاع و احوال زمان بر خصلت‌ها و سبجیه‌های هنر آشکار است. شوکینگ از جمله پیروان این دیدگاه است. از منظر او خاک و زمینه اجتماعی اصل بنیادی برای شکل‌گیری ذوق به عنوان یک فرایند اجتماعی است (شو کینگ، ۱۳۷۳: ۳۱). البته او معتقد است هرچند خاک پرمایه اقتصادی به تنهایی برای باروری علم و هنر کافی نیست، اما به‌واقع هیچ هنر بزرگی یا هنرهایی که داغ فردیت خورده‌اند، همچنین مجزا و جدا از این عوامل نیستند (همان: ۲۲). طبق این دیدگاه پیدایش و استقرار ذوق ادبی و هنری از عوامل جامعه‌شناختی آن جدا نیست. شرایط تاریخی، سیاسی و اجتماعی در هر دوره معین تأثیر بسزایی در شکل‌گیری ذوق ادبی زمان دارد و نه به‌عنوان عامل صرف که به‌عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار در آن شناخته می‌شود.

تأمل در آثار خلاقانه ادبی ملل مختلف نشان می‌دهد که جریان‌های اجتماعی، سیاسی و تاریخی در دوره‌های مختلفی بر شکل‌گیری ذوق ادبی تأثیرات متفاوتی بر جای نهاده‌اند و البته این موضوع در ژانرهای مختلف ادبی هم متفاوت است. به‌باور بورديو مواضع یا زمینه‌های تاریخی در ایجاد ژانرها یا انواع ادبی، شکل‌های هنری، دوره‌ها یا سبک‌ها و مکاتب و جنبش‌های هنری مؤثر هستند (۱۳۷۹: ۱۵۷). البته مسلم است که در برخی ژانرهای ادبی نمود واقعیت‌های بیرونی آشکارتر است. در میان آثار ادبی فارسی، نوشته‌های صوفیان از منظر تأثیرپذیری از شرایط مادی اندکی متفاوت از دیگر آثار است. بسیاری نوشته‌های اشارت‌گونه عارفان مسلمان که برخاسته از مواجهه و تجربیات درونی آنهاست، از واقعیت‌های بیرونی تهی است؛ اما در آثار تعلیمی و تبلیغی عرفانی در بسیاری موارد رنگ اجتماعی زمان آشکار است. مرصادالعباد نجم‌الدین رازی از جمله این آثار است. این اثر همزمان با یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین بحران‌های تاریخی ایران نگارش یافته است و بنابراین توجه به ابعاد مختلف این واقعه و نقش آن در شکل‌گیری ذوق ادبی زمان در بین وقایع سیاسی اجتماعی عصر اهمیت ویژه‌ای دارد. بررسی وقایع

تاریخی زمان نجم‌الدین نشان می‌دهد که چند عامل بیشترین تأثیر را در شکل‌دهی ذوق ادبی زمان دارد که در ادامه به بررسی بیشتر این دو جریان پرداخته می‌شود.

۲-۳-۲-۱- بحران‌ها و دگرگونی‌های عمیق اجتماعی

مرصادالعباد از جمله آثاری است که در آستانه وقوع بحرانی عظیم و خانمان‌سوز در تاریخ ایران به رشته تحریر درآمده است. آن‌چنان که از مقدمه اثر برمی‌آید نجم‌الدین پیش از حمله مغول و ظاهراً در اواخر سلطنت سلطان محمد خوارزمشاه به درخواست مریدان مصمم به تألیف کتاب بوده و حتی شاید مسوده‌های آن را فراهم کرده است؛ اما به علت سفرهای پیاپی فرصت انجام آن را نیافته است تا این که سرانجام بعد از وصول به قیصریه یعنی در سال ۶۱۸ قمری نگارش کتاب را آغاز می‌کند (ریاحی، ۱۳۸۳: ۵۵-۵۴). تألیف این کتاب از نظر زمانی دو سال پس از نخستین حمله مغول به ایران آغاز می‌شود.

آنچه مسلم است عرفان اسلامی پیش از حمله مغول به اوج شکوفایی و رواج خود دست یافته بوده است. تألیف گسترده آثار عرفانی از جمله آثار عین‌القضات همدانی، غزالی و امثال آن گواهی بر این امر است. البته افزون بر ظهور اسلام و گسترش فرهنگ قرآنی، حمله مغول و نوسانات اجتماعی دو عامل مؤثر در گسترش ادبیات عارفانه و تقویت جنبه‌های زیبایی‌شناختی آن به شمار می‌روند. البته به باور برخی محققین تصور این که حمله مغول سبب تقویت یا ترویج آن در ایران شده باشد، خطاست. زیرا اساساً هیچ حمله مخرب و ویرانگری نمی‌تواند وسیله ایجاد کمالات و ترویج معارف باشد (صفا، ۱۳۸۶، ۳/۱: ۱۶۶)؛ اما آنچه مسلم است در این دوران کشتار و ویرانی مغول تأثیر جدی بر شکل‌دهی و یا جهت‌دهی ذوق زمان بر جای می‌گذارد. این بحران تاریخی نه تنها به زوال و انحطاط هنر بالاخص متون عرفانی نمی‌انجامد، بلکه ضامن پابرجایی و شکوفایی آن می‌شود. وجود آثاری همچون مرصادالعباد نجم‌الدین رازی، غزلیات پرشور مولانا، مصباح‌الهدایه عزالدین محمود کاشانی و امثال آن تأییدی بر این امر است. پس از حمله مغول نه تنها تصوف و علاقه به آن در میان مردم از بین نمی‌رود که همچنان با قوت تمام نقش خود را در تاریخ ایفا می‌کند.

بنابراین تنها دوره‌های ثبات اجتماعی نیست که به خلق شاهکارهای هنری می‌انجامد؛ بلکه در واقع می‌توان گفت «دوران بحران‌ها و دگرگونی‌های عمیق اجتماعی مخصوصاً برای به وجود آمدن آثار بزرگ هنر و ادبیات بسیار مناسب هستند؛ زیرا انبوهی از تجربه‌ها و مسائل را به افراد عرضه می‌کنند و گسترش افق عاطفی و عقلانی را به همراه دارند» (پاسکادی، ۱۳۸۰: ۶۸). ارنست رنان در کتاب خویش به نام *آینده علم* نشان می‌دهد که دوره‌های طوفان‌ها و انقلاب‌های سیاسی و اجتماعی درست همان دوره‌هایی هستند که به اندیشه‌های جدید بزرگ و بارور زندگی بخشیده‌اند (به نقل از شو کینگ، ۱۳۷۳: ۲۱).

در واقع در موقعیت‌های بحرانی حتی طبقات رو به زوال و آماده برای ترک صحنه تاریخ قادر هستند نمایندگانی استثنایی بیافرینند که به اعماق ساختار فکری گروه راه می‌یابند و آن را به نحو درخشانی بیان می‌کنند (پاسکادی، ۱۳۸۰: ۶۸). نجم‌الدین رازی نیز از جمله کسانی است که در مقابل بحران پیش رو (حمله مغول) صحنه را ترک کرده و با پناه بردن به مأمنی استوار یعنی روم به ترویج افکار و آراء عرفانی خود می‌پردازد. او این مهاجرت مصحلت‌اندیشانه را در آن زمان صلاح دین و دنیای خود می‌داند: «چون امید از وطن و مسکن مألوف منقطع شد، صلاح دین و دنیا دران دید که مسکن در دیاری سازد که درو اهل سنت و جماعت باشند و از آفت بدعت و هوا و تعصب پاک بود...» (نجم‌الدین رازی، ۱۳۸۳: ۲۰). از منظر نجم‌الدین هرچند که دنیا جای اقامت نیست و سنت طایفه عرفا هم عزلت و انقطاع و خوف و خلوت و اجتناب از صحبت ملوک و سلاطین است، اما پیوستن به چنین پادشاهی برای او و مردم منافع بسیار دارد (ن.ک: همان: ۲۳).

در واقع آنچه در بررسی واقعه مغول در خود اهمیت بسیار است این که خاک و زمینه اجتماعی پایداری تصوف در این دوره همچنان به قوت خود باقی است. جریان ریشه‌دار و اصیلی که در اواخر قرن دوم و سوم هجری به یاری کسانی چون حسن بصری، رابعه عدویه، فضیل عیاض، جنید بغدادی، بایزید بسطامی و امثال آنها در تاریخ شکل می‌گیرد، استوارتر از آن است که بر اثر بحرانی تاریخی از بین برود.

۲-۳-۲-۲- بینش مخدوم به مثابه حکم زیبایی شناس

تأمل در نقش پادشاه و بزرگان اشرافی در هدایت و حمایت شاعران و نویسندگان از جمله مسائلی است که پیچیدگی‌ها و حساسیت‌های ویژه‌ای دارد و پرداختن بدان در چهارچوب این پژوهش نمی‌گنجد. به طور کلی می‌توان گفت تقدیم یک اثر به پادشاه یا بزرگی با انگیزه‌های مختلفی انجام می‌شده است که از جمله مهم‌ترین آنها حفظ و نشر اثر، دریافت صله و پاداش برای گذران زندگی و یا ادامه امر نویسندگی هستند. اما نکته درخور توجه آن است که مؤلف با تقدیم اثر خود به پادشاه یا شخص صاحب نفوذی، خواسته یا ناخواسته، تحت تأثیر بینش هنری و زیبایی شناختی او قرار می‌گیرد. بنابراین یکی از اصول تأثیرگذار در شکل‌گیری ذوق ادبی هر زمان، تمایلات ادبی گروه‌هایی است که منابع قدرت سیاسی و اجتماعی را در اختیار دارند. کارفرمای اشرافی به یمن مقام اجتماعیش حکم و داور زیبایی شناس هم می‌شود. به دست آوردن موافقت کامل او به مثابه سرمایه‌ای پایدار برای حفظ و بقای هنر زمان است. به باور شو کینگ تأثیر این اوضاع و احوال بر خصلت و سبب هنر آشکار است. کوشش برای به دست آوردن تأیید و عنایت امیر بزرگ در بسیاری موارد باعث می‌شود نویسنده در محدوده آرمان‌ها و کمال مطلوب‌های او اسیر شود (شو کینگ، ۱۳۷۳: ۲۶).

بررسی آثار هنری و ادبی در ادواری از تاریخ نشان می‌دهد که ذوق زیبایی شناختی یک طبقه کوچک اشرافی می‌توانست قدرت خود را به زمینه ادبیات تحمیل کند. بسیاری از قصاید مدحی سبک خراسانی گواهی بر این امر است. البته مسلم است که در مرصادالعباد نجم‌الدین رازی به واسطه زمینه اصلی اثر یعنی عرفان و تصوف، ذوق زیبایی شناختی مخدوم نتوانسته به طور کامل خود را بر اثر تحمیل کند.

نجم‌الدین رازی با تقدیم اثر به علاء الدوله کیقباد سلجوقی به عنوان مخدومی ادب‌دوست شیوه‌ای خلاف عادت صوفیان زمان در دست می‌گیرد. علاء‌الدین کیقباد بن کیکاوس یازدهمین سلطان از سلجوقیان روم بود که بین سال‌های ۱۲۲۰-۱۲۳۷ حکومت کرد. در زمان حکومت وی وسعت قلمرو سلاطین روم گسترش چشمگیری یافت (اقبال

آشتیانی، ۱۳۸۹: ۱۳۳). آغاز حکومت این پادشاه با حملات گسترده مغولان به سرزمین‌های اسلامی مصادف بود. سلطان علاء الدین با اتخاذ تدابیر سیاسی و نظامی تا اندازه‌ای توانست جلوی پیشروی مغولان را بگیرد و این امر یکی از علت‌هایی بود که منطقه روم را به مأمن مناسبی برای علما و فضیلائی فراری از مقابل هجوم مغول تبدیل کرد (ر.ک: کجاف و اسماعیلی نصرآبادی، ۱۳۸۹: ۱۳۶-۱۰۰). در این زمان تصوف نیز در آسیای صغیر رونق بی‌نظیری داشت و علاوه بر گرایش مردم عادی به آن، بزرگان، وزیران و حتی سلاطین نیز به تصوف روی آوردند و این روند به حدی پیشرفت کرد که سلاطین علاوه بر احترام به شخصیت صوفیان از آنها در امور سیاسی نیز بهره می‌بردند (همان: ۱۳۱-۱۳۰). با این وصف تقدیم مرصادالعباد نجم‌الدین رازی به پادشاه سلجوقی بنا به شرایط منطقه امری دور از ذهن نیست. نظر به خوش آمد مخدوم شاید برای نخستین بار به صراحت در یک اثر عرفانی مطالبی راه می‌یابد که پیش از آن سابقه نداشته است. تمایلات و خواسته‌های ممدوح مستقیم یا غیرمستقیم از چندین موضع کتاب دریافت می‌شود:

الف - در مواضع بسیار و به‌ویژه مقدمه کتاب از خیرات و میرات مخدوم (علاء الدین کیقباد سلجوقی) سخن به میان می‌آید. این قسمت از مرصاد از صریح‌ترین و واضح‌ترین نمونه‌هایی است که نشان از تأثیرپذیری نجم‌الدین از ذوق و خوشایند مخدوم دارد: «بحمد الله پادشاهی در آن دیار از بقیت آل سلجوق و یادگار آن خاندان مبارک است که هر آسایش و راحت و امن و غراغت که اهل اسلام یافتند از سایه چتر همایون اهل آن خاندان یافتند...» (نجم‌الدین رازی، ۱۳۸۳: ۲۰-۲۱).

ب - پرداختن به نحوه سلوک ملوک و ارباب فرمان در باب پنجم کتاب نیز می‌تواند نمودی از تأثیر بینش زیبایی‌شناختی ممدوح تلقی شود. البته این نکته به این معنا نیست که اساساً بینش مخدوم علت تألیف این فصل از کتاب بوده است. انگیزه اصلی تألیف این بخش از کتاب را باید در دیدگاه‌های فکری نویسنده جستجو کرد و البته بینش مخدوم هم به ضرورت، تأثیر خود را بر آن نهاده است. طرح این مسئله که پادشاهان هم می‌توانند با رعایت اصولی از جمله عدل، به سلوک باطنی و معرفت یقینی دست یابند، می‌تواند بیش از

پیش پیوند میان عرفا و پادشاهان را مستحکم کند. البته در بینش آرمان‌شهری نجم‌الدین و بر طبق قاعده «السلطان ظل الله» جدایی و تمایزی میان خدا و پادشاه نیست.

ج - بسیاری از ترکیب‌سازی‌ها، دایره واژگانی و حتی آرایه‌های ادبی که نجم‌الدین در مدح پادشاه و یا موارد دیگر برمی‌گزیند، می‌تواند اثری از بینش زیبایی‌شناختی مخدوم تلقی شود. از همین نوع است تشبیه حضرت ممدوح به آسمان در ترکیب «حضرت آسمان رفعت» (همان: ۲۴)؛ همچنین در جای دیگر نجم‌الدین برای نشان دادن مقام بلند علاء‌الدین کیقباد سلجوقی، او را به سلیمان و خود را به موری در مقابل او تشبیه می‌کند: «هرچند آن پایه بسی بلند است بلندتر از پایه سلیمانی نیست و هرچند این ضعیف بی‌سرمایه است کمتر از موری نتواند بود. آن حضرت سلیمان مرتبت را تحفتی مورصفتانه حاصل کند» (همان: ۲۴).

نجم‌الدین در بسیاری مواضع برای اثبات سخن خود از طرح مثالی متناسب با بینش مخدوم بهره می‌گیرد و البته این موضوع محدود به قسمت‌هایی که به مدح پادشاه اختصاص یافته نیست. به عنوان مثال نجم‌الدین در اثبات این نکته که خداوند بدون هیچ واسطه‌ای به خلقت آدم پرداخت و به خودی خود در قالب آدم کار می‌کرد مثالی ذکر می‌کند که در این زمینه درخور توجه است. او خداوند را در این مقام با پادشاهان دنیایی می‌سنجد که برای ساختن هرگونه بنایی خدمتکاران را بر کار می‌کنند اما برای پنهان کردن گنج به خودی خود دست به کار می‌برند (ن. ک: همان: ۶۸). طرح مثال‌هایی از زندگی پادشاهان، که البته در متن مرصادالعباد اندک هم نیست، نمودی از سلیقه هنری و زیبایی‌شناختی مخدوم است.

۲-۳-۳- خود اثر ادبی (هنری)

چنان‌که ذکر آن گذشت، تأمل در مرصادالعباد نجم‌الدین رازی نشان می‌دهد عوامل مختلفی همچون روح‌های زمانه، شرایط سیاسی - اجتماعی، بینش مخدوم و امثال آن در شکل‌گیری ذوق ادبی دخیل هستند. نظر به موارد مذکور این پرسش در ذهن ایجاد می‌شود که آیا هنرمند باید فردیت خود را به طور کامل فدا کند؟ اگر یک اثر به تمامی

بازتاب دهنده روح‌های زمانه و یا شرایط سیاسی و امثال آن باشد، نقش هنرمند و تمایلات درونی او چه می‌شود؟ در صورتی که بپذیریم یک اثر ادبی یا هنری به طور کامل بنا به سلیقه روح‌های زمانه و یا بینش زیبایی‌شناسی مخدوم خلق می‌شود، ذوق ادبی و هنری هنرمند کوچک‌ترین نقشی در خلق اثر هنری ندارد. این در حالی است که به نظر می‌رسد ردپای نویسنده و تمایلات او در برخی از فصول مرصادالعباد واضح‌تر از دیگر عوامل شکل‌دهی ذوق ادبی است. در واقع در بسیاری موارد این آفرینشگر است که با خلق اثری ماندگار بر ذوق هنری زمان اثر می‌گذارد. به باور شوکینگ گاه هنرمندی از فرمان الهی که بر او نازل شده است پیروی می‌کند و در صمیمیت و صدق کامل با سائقی درونی و در پاسخ‌گویی مطلق به خویشتن و نه جواب‌گویی به دعوت و ندای جهان خارج، یک کار هنری می‌آفریند که از کمال مطلوبی که پیشاپیش او روان است به وی تکلیف شده است. این اثر به روشنایی روز آورده می‌شود، به تماشا گذاشته می‌شود و به یاری قدرت تبلیغات ذاتیش دوستانی پیدا می‌کند، شناخته می‌شود و پس از آن بر ذوق هنری عمومی اثر می‌گذارد (شوکینگ، ۱۳۷۳: ۵۹). تأثیرگذاری مرصادالعباد بر ذوق هنری زمان و شکل‌دهی آن جوانب مختلفی دارد از جمله:

۲-۳-۱- **بیان تجارب عرفانی:** نظر در مرصادالعباد نجم‌الدین رازی نشان می‌دهد که حداقل برای بخش‌هایی از کتاب نمی‌توان سلیقه مخاطب و یا مخاطبان زمان را لحاظ کرد. گویی زمانی که نجم‌الدین به بیان موضوعات ناب عرفانی مثل عشق می‌پردازد، به گونه‌ای فارغ از شرایط زمانه به دنبال دست‌یابی به امیال و خواسته‌های درونی خویش است. بسیاری از مطالب مرصادالعباد تبلور تجربه عاطفی هنرمند و بیان احساسات و مافی‌الضمیر او است. از جمله این مطالب بخشی است که نجم‌الدین در طرح وقایع خلقت آدم با شور و شوق تمام به بیان جزئیات این ماجرا می‌پردازد:

«الطاف الوهیت و حکمت ربوبیت به سر ملائکه فرو می‌گفت: ... معذورید که شما را سر و کار با عشق نبوده است. شما خشک‌زاهدان صومعه‌نشین حظایر قدس‌اید، از گرم‌روان

خرابات عشق چه خیر دارید، سلامتیان را از ذوق حلاوت ملامتیان چه چاشنی» (نجم‌الدین رازی، ۱۳۸۳: ۷۱).

۲-۳-۳-۲ - شیوه داستان‌پردازی: یکی دیگر از وجوه در خور اهمیت مرصادالعباد شیوه‌ای است که نجم‌الدین در طرح مباحث عرفانی و بالاخص خلقت انسان و برتری روح بر جسم دارد. نجم‌الدین در طرح مطالب عرفانی در بسیاری موارد از زبان داستان بهره می‌برد. البته این شیوه پیش از نجم‌الدین نیز رواج داشته است. در اصل تمثیل همواره یکی از مؤثرترین شگردهای ادبی برای تبلیغ آموزه‌های دینی و اخلاقی بوده است. به همین سبب کتاب‌های آسمانی سرشار از حکایات و امثال اخلاقی و فلسفی است (فتوحی، ۱۳۸۳: ۱۴۴). در میان تمثیل‌های دینی، تمثیل داستانی کارکرد ویژه‌ای در طرح مباحث داشته است.

بیان رمزی سیر و سلوک معنوی در قالب داستان پرواز مرغان نمونه‌ای از این گونه داستان‌ها است که برای اولین بار ابن سینا آن را مطرح کرد و بعدها سرمشق بسیاری از عرفا قرار گرفت. محمد غزالی رساله‌ای مستقل در این زمینه تألیف کرد و برادرش احمد غزالی آن را به فارسی برگرداند. قصه مرغان سهروردی هم ترجمه گونه‌ای از رساله ابن سینا است و البته این داستان در منطق الطیر عطار به کمال رسید. سهروردی از جمله کسانی است که به طور گسترده از تمثیل‌های رمزی برای طرح مطالب عرفانی بهره برده است. او در طرح این تمثیل‌ها به داستان‌های ابن سینا از جمله «سلامان و ابسال»، «حی بن یقظان» و «رساله الطیر» نظر داشته است. رساله‌های «عقل سرخ»، «آواز پر جبرئیل»، «الغریبة الغریبة» و «لغت موران» از جمله رساله‌های تمثیلی سهروردی است که در آنها از سفر نفس در مراتب وجود و رسیدن به رستگاری سخن رفته است. حکایت‌های تمثیلی سهروردی، جدا از مفاهیم فلسفی سرشاری که دارند، نمایانگر نیروی تخیل شگفت‌انگیز سهروردی هستند. این تمثیل‌ها در واقع حکایت روحی است که معنی وقایع و امور محسوس این عالم را در مرتبه‌ای فراتر از این عالم یعنی عالم مثال مشاهده می‌کند و راز آنها را چنان که هست درمی‌یابد (پورنامداریان، ۱۳۹۰: ۴۰-۴۱).

در بسیاری از تمثیل‌های عرفانی، شخصیت‌ها و پدیده‌های بی‌جان یا انتزاعی شخصیتی انسانی می‌یابند. در سیرالعباد سنایی، نفس ناطقه که یک امر انتزاعی است، در قالب شخصیت پیری نورانی ظاهر می‌شود و بسیاری از صفات و خلیات در شکل دیو و افعی و اژدها در داستان نمود می‌یابند. در مرصاد العباد نجم‌الدین رازی هم بسیاری از امور عقلی و نامحسوس به واسطه زبان داستان برای خواننده محسوس می‌شوند. به عنوان مثال نجم‌الدین رازی در ضمن نقل داستان خلقت آدم و تعلق روح به آن، داستان‌های فرعی بسیاری نقل می‌کند. روح به محض ورود به جسم با شگفتی‌های بسیاری مواجه می‌شود و نجم‌الدین اینگونه به طرح این ماجرا می‌پردازد: «آورده‌اند که چون روح به قالب آدم درآمد، در حال گرد جملگی ممالک بدن برگشت، خانه‌ای بس ظلمانی و با وحشت یافت، بنای آن بر چهار اصل متضاد نهاده، دانست که آن را بقایی نباشد» (همان: ۸۸). در اثنای این حالت روح صفات نفسانی را به شکل جانوران مختلف مشاهده می‌کند و نفس انسانی نیز مدام با روح به مخالفت می‌پردازد: «نفس سگ‌صفت غریب‌دشمنی آغاز نهاد و چون گرگ در وی می‌افتاد» (همان: ۸۹). روح با دیدن این وقایع به یاد روزهایی می‌افتد که در جوار قرب خداوند بوده و عزم رفتن بدانجا می‌کند و همچنان که اطفال را به چیزهای رنگین و امثال آن مشغول می‌کنند، آدم را به معلمی ملایکه و سجود ایشان و آن قصه‌های مشهور که گفته‌اند مشغول می‌کردند (همان: ۹۰).

نکته درخور توجه در این داستان و موارد مشابه آن است که هرچند وقایع مربوط به خلقت آدم در تفاسیر و به‌ویژه تفاسیر عرفانی طول و تفصیلی دارد، اما نجم‌الدین در طرح این وقایع با ابداع و ابتکاری که خاص اوست از زبان داستان بهره می‌گیرد. شیوه روایی دادن به وقایع عالم ذر و آفرینش انسان از ابتکارات خاص نجم‌الدین در این زمینه است. بسیاری از داستان‌هایی که او مطرح می‌کند برای نخستین بار در این زمینه نقل شده که پرداختن بدان نیازمند پژوهش مستقل دیگری است.

۳- نتیجه‌گیری

بررسی جامعه‌شناختی ذوق ادبی با تکیه بر مرصادالعباد نجم‌الدین رازی نشان می‌دهد عوامل مختلفی در شکل‌دهی سلیقه‌های هنری در زمان نویسنده نقش داشته است. گروه‌های اجتماعی مختلف با آرمان‌های متفاوت و به تعبیر دیگر روح‌های زمانه در مرصادالعباد نجم‌الدین رازی به‌روشنی قابل تشخیص است. تمایلات هنری این گروه‌ها در متن مرصادالعباد لحاظ شده است. وقایع سیاسی - اجتماعی زمان نجم‌الدین از دیگر عواملی است که به صورت‌های مختلف بر ذوق هنری تأثیر گذاشته است. در بین این وقایع دو عامل بیشترین تأثیر را داشته است: نخست بحران عمیق و خانمان‌سوز مغول که انبوهی از مسائل و تجربه‌ها را به افراد عرضه می‌کند و دیگر نقش حمایتی سلاجقه روم به عنوان مخدومانی زیبایی‌شناس و زیبایی‌پسند.

علاوه بر عوامل مذکور، مرصادالعباد نجم‌الدین رازی ویژگی‌های منحصر به فرد و ارزش‌های ذاتی بسیاری دارد که به واسطه آن بر ذوق هنری زمان تأثیر گذاشته است. بیان تجارب عرفانی به شیوه‌ای ابتکاری و در بسیاری موارد با زبان داستان از جمله ارزش‌های ذاتی این اثر محسوب می‌شود.

فهرست منابع

الف) کتاب‌ها

۱. اسکارپیت. رویر. (۱۳۷۴). **جامعه‌شناسی ادبیات**. ترجمه مرتضی کتبی. تهران: سمت.
۲. اقبال آشتیانی، عباس. (۱۳۸۹). **تاریخ مغول**. چاپ دوم. تهران: نگاه.
۳. پورنامداریان، تقی. (۱۳۸۸). **عقل سرخ**. تهران: سخن.
۴. جوینی، محمد. (۱۳۸۲). **تاریخ جهانگشای جوینی**. تصحیح محمد قزوینی. ج ۱. چاپ سوم، تهران: دنیای کتاب.
۵. راوندی، مرتضی. (۱۳۷۴). **تاریخ اجتماعی ایران**. ج ۸. تهران: نگاه.

۶. شوکینگ، لوین ل. (۱۳۷۳). **جامعه‌شناسی ذوق ادبی**. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: توس.
۷. صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۸۶). **تاریخ ادبیات در ایران**. ج ۳/۱. تهران: فردوس.
۸. طباطبایی، سید جواد. (۱۳۷۲). **درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران**. تهران: کویر.
۹. قفس اوغلی، ابراهیم. (۱۳۶۷). **تاریخ دولت خوارزمشاهیان**. ترجمه داوود اصفهانیان. تهران: نشر گستره.
۱۰. کجباف، علی اکبر و اسماعیلی نصرآبادی، حسین. (۱۳۸۹). **بررسی تحولات سیاسی، اجتماعی سلجوقیان روم**. اصفهان: بهشتیان.
۱۱. موشتوری، آنتیگون. (۱۳۸۶). **جامعه‌شناسی مخاطب در حوزه فرهنگی و هنری**. ترجمه حسین میرزایی. تهران: نی.
۱۲. نجم‌الدین رازی، ابوبکر عبدالله. (۱۳۸۳). **مرصاد العباد**. به اهتمام محمد امین ریاحی. چاپ دهم. تهران: علمی و فرهنگی.

ب) مقاله‌ها

۱. ایوتادیه، ژان. (۱۳۸۱). «جامعه‌شناسی ادبیات و بنیان‌گذاران آن». در درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات. گزیده و ترجمه محمدجعفر پوینده، ۱۰۷-۱۴۸. تهران: چشمه.
۲. بوردیو، پی‌یر. (۱۳۷۹). «تکوین تاریخی زیبایی‌شناسی ناب». ترجمه مراد فرهادپور. فصلنامه ارغنون. ش ۱۵۰، ۱۷-۱۶۶.
۳. پاسکادی، یون. (۱۳۸۰). «ساختگرایی تکوینی و لوسین گلدمن. در جامعه، فرهنگ، ادبیات». گزیده و ترجمه محمدجعفر پوینده، ۵۳-۶۹. تهران: چشمه.
۴. جوکار، نجف. (۱۳۸۶). «رویکرد اجتماعی در آثار ادبی و عرفانی نجم‌الدین رازی». مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. ش ۵۱، ۱۰۵-۱۲۴.
۵. صفری، جهانگیر و طاهری عبده‌وند، ابراهیم. (۱۳۸۹). «پیوند سیاست با عرفان در مرصادالعباد نجم‌الدین رازی». مطالعات عرفانی. ش ۱۲، ۹۹-۱۲۹.

۶. فتوحی، محمود (۱۳۸۳). «تمثیل: ماهیت، اقسام، کارکرد»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ش ۱۲ و ۱۳، ۱۴۱-۱۷۷.
۷. گلدمن، لوسین. (۱۳۸۱). «جامعه‌شناسی ادبیات. در درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات». گزیده و ترجمه: محمد جعفر پوینده. تهران: چشمه. ۶۹-۸۵.
۸. لنار، ژاک. (۱۳۸۱). «جامعه‌شناسی ادبیات و شاخه‌های گوناگون آن. در درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات». گزیده و ترجمه: محمد جعفر پوینده، تهران: چشمه. ۸۹-۱۰۶.
۹. مقدس جعفری، محمدحسن و یعقوبی، علی و کاردوست، مژگان. (۱۳۸۶). «بورديو و جامعه‌شناسی ادبیات». ادب پژوهی. ش ۲. ۷۷-۹۴.

